

بناپارتیسم ایرانی

بناپارتیسم ایرانی

گزارشی از

برنامه زنده اینستاگرامی خاطرات سیاسی

با عنوان

مفهوم و مصداق بناپارتیسم ایرانی

با حضور

احمد حکیمی‌پور

حسن اکبری بیرق

رامین پرهام

جواد خادم

مریم کوشکی

شامگاه جمعه بیستویکم شهریورماه، برنامه زنده اینستاگرامی با موضوع «مفهوم و مصداق بناپارتیسم ایرانی» برگزار شد. در این برنامه که با حضور احمد حکیمی‌پور، حسن اکبری بیرق، رامین پرهام و جواد خادم همراه بود، خلاصه‌ای از مباحث مطرح‌شده به مخاطبان «خاطرات سیاسی» تقدیم می‌شود.

دکتر احمد حکیمی‌پور در سخنان آغازین خود با تأکید بر اهمیت بحث‌های عمیق و گره‌خورده با تاریخ سیاسی کشور، شروع رسمی اظهارنظرها را به دکتر اکبری بیرق سپردند. مقدمه و فلسفه برگزاری برنامه

در ابتدای برنامه، دکتر حسن اکبری بیرق - به‌عنوان آغازگر بحث - ضمن معرفی اهداف فصلنامه، بر مأموریت آن در ثبت و تحلیل تاریخ شفاهی سیاسی ایران تأکید کرد. او در ادامه با اشاره به محتوای شماره بیست‌وهشتم فصلنامه، توضیح داد که این شماره به بازخوانی رویداد تاریخی معروف به «کودتای نوژه» یا عملیات نقاب اختصاص یافته است؛ رویدادی که زمینه‌ساز ورود به بحث نظری «بناپارتیسم ایرانی» شد. اکبری بیرق یادآور شد که این تعبیر نخستین‌بار در گفت‌وگویی با رامین پرهام مطرح شده بود و برنامه فعلی، ادامه منطقی همان بحث و فرصتی برای بیان دیدگاه‌های متنوع در بستر

تاریخی و اجتماعی ایران است.

تعریف و ریشه‌های بناپارتیسم از نگاه دکتر رامین پرهام
دکتر رامین پرهام در تبیین مفهوم بناپارتیسم، آن را پدیده‌ای با ریشه‌های تاریخی و فلسفی عمیق دانست که در قرن بیستم در کانون مطالعات گسترده سیاسی و اجتماعی قرار داشته است. او دو کلیدواژه «مردم» و «اقتدار» را در فهم این مفهوم اساسی برشمرد و گفت بناپارتیسم کوششی است برای «بازسازی جامعه‌ای که انقلاب آن را از بنیاد زیر و رو کرده است» و «آشتی دادن آزادی با نظم و حقوق مردم با اقتدار».

پیوند با سزاریزم رومی

پرهام سپس برای روشن‌تر ساختن بنیاد تاریخی این مفهوم، به جمهوری روم و ظهور ژولیوس سزار اشاره کرد؛ زمانی که با عبور از رود روبیکان، سردار نظامی قدرتمندی به اقتدار مطلقه رسید و الگویی برای رهبران بعدی در شرایط بحران پدید آورد.

زمینه‌های ظهور و اصلاحات ناپلئونی

پرهام ویژگی مشترک شرایط پیدایش بناپارتیسم را ضعف نهادهای مدنی و ناکارآمدی قوه مجریه دانست و توضیح داد که در چنین وضعی، یک اقتدار متمرکز برای خروج از بحران شکل می‌گیرد. او اصلاحات ناپلئون همچون پیمان کونکوردات ۱۸۰۱، تعیین مرز دین و دولت، اعطای حقوق مدنی به یهودیان و تثبیت مالکیت خصوصی را نمونه‌هایی از تلاش برای ایجاد نظم و ثبات نوین معرفی کرد.

بناپارتیسم و تحول طبقات اجتماعی

وی ادامه داد که انقلاب فرانسه با از میان بردن اشرافیت موروثی، به پیدایش طبقات سیال نو - از کارگر و بورژوا تا نخبگان سیاسی و نظامی - انجامید. به گفته او، در فاصله فروپاشی نظم کهن تا تثبیت نظم نوین، خلأ قدرت تنها با رهبری قاطع و سازمان‌دهنده‌ای چون ناپلئون پر می‌شود.

مصادیق تاریخی در ایران از نگاه مهندس جواد خادم

دکتر جواد خادم در ادامه بحث، بناپارتیسم را در بستر ایران بررسی کرد و گفت: «در هر دوره بحرانی، چهره‌هایی چون یعقوب لیث صفاری، نادرشاه و رضاشاه نقش نجات‌بخش ایفا کرده‌اند».

به باور او، رضاشاه با وجود محدودیت‌های سیاسی و خارجی، بنیان اداری و زیربنایی تازه‌ای نهاد اما دموکراسی را به تعویق انداخت. خادم محمدرضا شاه را بناپارت دوم نامید و افزود: تمرکز قدرت و غفلت از نخبگان، سرانجام سلطنت را به سقوط کشاند.

اقتدار؛ ضرورت یا تهدید برای آزادی؟

«در این بخش، دکتر اکبری بیرق پرسید: «چگونه می‌توان از لغزش

اقتدار به خودکامگی پیشگیری کرد؟
پرهام پاسخ داد: «اقتدار شرط ایجاد نظم نو است، اما تضمین سلامت آن جز در جامعه مدنی قوی ممکن نیست».
خادم نیز بر آن بود که اقتدار مطلق در دوره بحران می‌تواند با تکیه بر تیم کارشناسی کارآمد عمل کند، اما باید موقتی باشد و به حاکمیت مردمی بینجامد.

*دموکراسی و پرهیز از چرخه قهرمان‌گرایی
دکتر اکبری بیرق هشدار داد که «تداوم نیاز به منجی، نشانه توسعه نیافتگی جامعه است». خادم نیز افزود که مشارکت استمراریافته مردم، حتی با رأی سفید، تضمین پایداری دموکراسی است. او یادآور شد که فرصت‌های دوره اصلاحات با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد از میان رفت و مسیر توسعه سیاسی متوقف شد.

چالش‌های دموکراسی و آموزه ناپلئون
دکتر پرهام و دکتر خادم اذعان کردند که حتی دموکراسی‌های غربی نیز با آسیب‌هایی چون ضعف احزاب و رشد پوپولیسم روبه‌رو هستند. راه برون‌رفت از بحران، تقویت احزاب و طراحی برنامه دوران گذار است. پرهام «شایسته‌سالاری» را جوهره مثبت بنای پارسیسم دانست و ارتش ناپلئون را نمونه‌ای از ارتقاء بر پایه لیاقت معرفی کرد، نه سرسپردگی.

جمع‌بندی
در پایان، دکتر اکبری بیرق ابراز امیدواری کرد که طرح چنین مباحثی زمینه‌ساز گفت‌وگوی انتقادی و تصمیم‌سازی واقع‌بینانه شود.
در جمع‌بندی نشست، بر این نکات تأکید شد: اقتدار بی‌پایه جامعه مدنی به استبداد می‌انجامد؛ مشارکت پیوسته مردم چرخه قهرمان‌گرایی را می‌شکند؛ و گذار کم‌هزینه تنها از مسیر تقویت احزاب و نهادهای مدنی ممکن است.

نشست با جمله دکتر جواد خادم پایان یافت: «ایران به پرهام‌ها نیاز دارد تا برای عبور از بن‌بست‌ها بیندیشند».